

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
فرانکفورت، سپتمبر 2002م

گر می نگاه

آنکه دل در گرو ساغر و مینا می کرد
بی خبر بود ز گرمی نگاه تو مگر
خرم آنکس که به مضمون محبت دل را
یاد آن روز که یک خنده زیر لب تو
چه فریبنده نگاری که به تمکین وفا
وعده میداد به مستی و دم هوشیاری
شیشه شوق ز طاق دل من می افتاد
لب خاموش تو نازم که بیک لحظه سخن
یار می خواست که از باده جنون خیز شوم
دل ز تو برده «اسیر» عاقبت کار به خبر

کاش کیفیت چشم تو تماشا می کرد
آنکه پیمانه پر از باده صهبا می کرد
با خم و پیچ سر زلف تو سودا می کرد
کار صد جام مایم در دل شیدا می کرد
با من ابرام و به بیگانه مدارا می کرد
آنچه می گفت به یکباره ته پامی کرد
مژه از ناز، به هر بار که بالا می کرد
در دل شیفتگان غلغله بر پامی کرد
«کاش می آمد و امروز تماشا می کرد»
کاش با تو نکند آنچه که با ما می کرد

پنجه هر بار به گیسوی تو می برد «اسیر»

جست و جوی دل گم گشته رسوا می کرد